

سیره پیامبر اکرم (ص) در تأمین امنیت عمومی و اجتماعی جامعه صدر اسلام

ثریا ریگی¹، کورش صالحی²

تاریخ دریافت: 1396/05/11
تاریخ پذیرش: 1396/06/12

از صفحه 85 تا 102

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان 1396

چکیده

وجود امنیت از نیازهای اساسی هر جامعه‌ای است به طوری که قرآن هم به این امر اشاره کرده و آرامش همه‌جانبه اجتماعی مردم را وابسته به امنیت دانسته است و تأکید دارد که جامعه اسلامی باید از امنیت کامل برخوردار باشد و مردم از لحاظ جسمی و فکری باید در امنیت کامل باشند. در این پژوهش، پرسش اساسی این است که سیره پیامبر (ص) در تأمین امنیت جامعه صدر اسلام چگونه بوده است؟ فرض تحقیق مبتنی بر این است که در جامعه قبیله‌ای که منازعات قبیله‌ای در آن نقش بسیار داشت، پیامبر (ص) برای رفع این موانع و تأمین امنیت اقدامات مؤثر دفاعی و انتظامی در داخل و خارج از مدینه را به‌عنوان اولین اقدامات امنیتی برای جامعه صدر اسلام انجام دادند. دستاورد این پژوهش که با رویکرد توصیفی - تحلیلی حاصل شد، نشان داد که پیامبر (ص) با توجه به اینکه فضای حاکم بر جامعه، قبیله‌ای و متشنج بود، اقدامات مهمی چون عقد پیمان و ترویج اخوت در برابر مسلمانان را برای تأمین امنیت در جامعه صدر اسلام سرلوحه کار خود قرار دادند.

کلید واژه‌ها

صدر اسلام، عقود، پیمان اخوت، اقدامات دفاعی، اقدامات نظامی.

1- کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان: s.rigi91@yahoo.com
2- عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان: ksalehi50@yahoo.com

مقدمه

در تعریف از امنیت در فضای زمان و مکان مورد بحث، باید گفت که رهایی از هرگونه خطر رایج در جامعه جاهلی عرب و احساس ایمنی از هرگونه تهدید و شخصیت دادن به حریم انسانیت و پرهیز از هرگونه تعرض، آرمان والایی بود که رسول خدا در پی تکریم جامعه نوپای اسلامی و جوامع پیرامونی آن (متحدان) بودند. ایجاد فضایی جدید در جامعه جاهلی عرب، نقش منجی بزرگی را ترسیم می‌نمود که پیامبر اسلام (ص) آن نقش را بر عهده گرفتند. تفکیک و تشخیص تمامی اقدامات ایشان در خصوص ایجاد امنیت داخلی و خارجی برای جامعه نوپای اسلامی، کار بسیار دشواری بود. در این تحقیق فرض بر این است که بعضی از اقدامات به شکل مستقیم و بعضی دیگر به شکل زمینه‌ساز و نسبی در خصوص تأمین امنیت جامعه‌ی اسلامی نقش داشته باشند. با ظهور اسلام و آغاز رسالت رسول خدا (ص) در شبه‌جزیره عربستان تحولاتی عظیم در همه جوانب آن عصر و به تبع آن، عصرهای بعدی پدید آمد و جزیره‌العرب را به مرکزی درخور توجه تبدیل کرد. پیامبر (ص) برای کاهش مشکلات و جلوگیری از بروز تنش‌ها میان نومسلمانان عقد اخوت و برادری ایجاد و آن را برای دوری از تعصبات بی‌حاصل قبیله‌ای ترویج دادند، جامعه‌ای که رسول خدا (ص) در آن مبعوث شد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های جاهلی و تعصبات و حمیت‌های قبیله‌ای بود. پیشینه پر از جنگ و درگیری بین قبایل بر سر رقابت‌های قبیله‌ای، حسادت‌ها و تفاخرات، نسب و نژاد، خونخواهی و ثار، جنگ برای دستیابی به آب و مرتع، زمینه مساعدی را برای هرگونه اصلاح ترسیم نمی‌نمود. رسول خدا (ص) می‌کوشیدند تا روحیه معنوی و تعاون را بین مردم تقویت کنند. ایشان پیمان‌های اخوت و برادری بین مسلمانان ایجاد کردند تا همدلی جای نفاق و درگیری را بگیرد و امنیت ایجاد شود، علاوه بر این، جهت مقابله با دشمنان به تقویت نیروهای نظامی نیز پرداختند. آنچه مقرر است در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گیرد، امنیت اجتماعی جامعه در صدر اسلام است. بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال پاسخی درخور به این سؤالات است که سیره پیامبر در تأمین امنیت اجتماعی چگونه بود؟ با توجه به فضا و روحیه قبیله‌ای حاکم بر جامعه صدر اسلام، پیامبر جهت رفع این موانع مانند غارت‌های قبیله‌ای، پیمان‌شکنی احتمالی قبایل یهود و گروه عبدالله بن ابی و سرکشی غیرمترقبه رگه‌های نسبی قبایل نومسلمان و غیره، اقدامات امنیتی مقدماتی را

انجام دادند. توسعه نیروی نظامی و اقدامات دفاعی داخلی و خارجی و گسترش امنیت که نیاز اساسی این جامعه‌ی نوپا بود را فراهم آوردند. نظر به اهمیت موضوع مورد پژوهش تحقیقات دامنه‌داری در این زمینه صورت گرفته و محققانی همانند جعفریان، رسول (1373)، تاریخ سیاسی اسلام/ جوادی آملی، عبدالله (1381)، نسبت دین و دنیا/ حسنی، عبدالمحمد (1376)، حکومت اسلامی/ حمیدالله، محمد (1374)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام/ ستوده، هدایت‌الله (1374)، تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام/ شمس‌الدین، محمد مهدی (1375)، نظام حکومت و مدیریت در اسلام/ نبوی، محمدحسن (1376)، مدیریت اسلامی/ واعظی، احمد (1378)، حکومت دینی: تأملی در اندیشه سیاسی اسلام/ منتظرالقائم اصغر، (1384)، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری/ حسینی، سید مجتبی (1378)، تاریخچه سیاسی اقتصادی صدر اسلام/ کتانی، عبدالحی (1384)، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، به موضوعات زمان پیامبر (ص) پرداخته‌اند؛ اما فقدان مطالعات جامع در این زمینه بر ضرورت انجام چنین تحقیق تاریخی افزوده است. آنچه در این پژوهش پی گرفته خواهد شد، ضمن تکمیل مطالعات پیشین، ارائه تصویری دقیق از اقدامات امنیتی پیامبر (ص) برای تأمین امنیت اجتماعی در جامعه صدر اسلام است.

1. اقدامات انتظامی داخلی

در یک نظام قبیله‌ای و با توجه به مشکلات زیست‌محیطی، هر قبیله می‌خواهد به‌گونه‌ای امکانات رفاهی، مالی و زمین قبیله دیگر را در اختیار بگیرد و بر آنان سلطه پیدا کند. اتحاد چند قبیله در برابر قبیله مهاجم، یکی از مؤثرترین راه‌ها و شیوه‌های تأمین امنیت آن مجموعه و قبیله به حساب می‌آید. پیامبر (ص) با توجه به خصوصیات محیط پیرامون خود، برای ایجاد امنیت مسلمانان در برابر گروه‌ها و قبایل مختلف از این اصل استفاده و با روش‌های مختلف امنیت جامعه مدنی را تأمین کردند (طبری، 1967: 450). با بستن قراردادهای و پیمان‌های سیاسی متعدد سعی در توسعه قدرت و نفوذ خویش در شبه‌جزیره داشتند و می‌کوشیدند با پیمان‌های دوستانه با قبایل هم‌جوار امپراتوری ایران و روم، تهدیدهای آن دو قدرت را علیه حکومت خویش خنثی سازند. دعوت سران سرزمین‌ها و کشورهای مختلف از جمله ایران، یمن، حبشه و مصر از نمونه

تحرکات و دیپلماسی فعال سیاسی پیامبر (ص) در روابط خارجی و برای گسترش دین و آئین اسلام بود. پیمان‌های متعدد ایشان با یهودیان، مسیحیان و حتی استفاده از امکانات نظامی آنان، موظف ساختن ایشان به تأمین منابع مادی، خوراک و پوشاک در سرزمین‌های محل عبور همه جهت تأمین امنیت بود.

2. پیمان اخوت و برادری میان مسلمانان

نخستین اقدام رسول خدا (ص) برای موفقیت در تشکیل حکومت در نقطه‌ای امن، ایجاد اتحاد استراتژیک در بین مردم مدینه اعم از اعراب و یهودیان و سایر ملت‌ها بود (آوردی، 1409: 145). پس از آن باید به تأمین امنیت حکومت تازه تأسیس خود و نیز محل استقرار آن می‌پرداخت. دفع تجاوز دشمنان و ایجاد امنیت مسلمانان از مهم‌ترین اهداف رسول خدا (ص) بود. برای این امر، اذن و اجازه الهی نیز کار را تسریع کرد. آیاتی نازل شد که به پیامبر (ص) اجازه می‌داد با مشرکان همان‌گونه که با مسلمانان رفتار می‌کند، برخورد کند. پیامبر (ص) مصمم به برقراری عقد برادری بین مسلمانان، اعم از مهاجر و انصار بود. از یک طرف مهاجران را از غربت و سختی‌های دور بودن از خانه نجات می‌داد و از طرف دیگر اختلاف دیرینه بین دو گروه اوس و خزرج را که در طی سالیان متمادی منجر به جنگ‌های خونین می‌شد، به صلح و صفا و برادری تبدیل می‌کرد.

عمیق‌ترین تأثیر این پیمان، از بین بردن اختلافات فرهنگی و نژادی عمیق عرب شمالی و جنوبی بود. در ضمن توطئه‌های یهود، منافقان و دشمنان داخلی مسلمانان که همواره درصدد از بین بردن وحدت مسلمانان بودند، نقش بر آب می‌شد. با این پیمان هر کدام از انصار که از امکانات مالی و رفاهی بالاتری برخوردار بودند، سرپرستی یک خانواده مهاجر را با روی باز پذیرا شدند و در خانه، مزرعه و زندگی، شریک خود قرار دادند (بلاذری، 1389: 450). این اقدام اجتماعی پیامبر (ص) در روزهای اول هجرت امری بسیار مهم و کلیدی بود. پیامبر (ص) با ذکاوت خاصی، رسوم و نهادهای اجتماعی دینی اسلام را بر روی سنن ریشه‌دار و کهنه جامعه خود قرار داد و تلاش کرد تا طرح‌های اصلاحی و انقلابی را چنان اجرا کند که با سرشت جامعه‌اش همراه و سازگار باشد، به‌گونه‌ای که قبایل گوناگون را به هم پیوند می‌داد. آن حضرت این پیمان را به پیمان اعتقادی تبدیل ساخت و روح برادری و رسم برادرخواندگی را که میان دو تن

تعهدی محکم به وجود می‌آورد، در جامعه دینی تحقق بخشید. پیامبر (ص) زمانی که هر مهاجر را برادر یکی از انصار قرار داد (ابن هشام، 1375، ج 2: 154). حضرت علی (ع) را برادر خود خواند. این پیمان برادری و روح همبستگی تا آنجا اوج گرفت که انصار در تقسیم غنائم جنگی از بنی‌نظیر، به نفع مهاجران کنار رفتند، با این اقدام امنیت و آسایش جای منازعات قبیله‌ای را گرفت.

3. پیمان نامه عمومی مدینه

یکی از روش‌های مهم پیامبر (ص) در مبارزه با مفاسد اجتماعی، ایجاد پیمان برادری بین مردم در جامعه است، در هر جامعه‌ای دمیدن روح مودت و دوستی در افراد و گروه‌های جامعه سبب کاهش اختلاف‌ها می‌شود و آنان را برای اهداف بزرگ‌تری متحد می‌کند. رسول خدا (ص) نیز برای ایجاد روحیه اجتماع‌پذیری و چیرگی بر تضادهای داخلی تلاش‌های گسترده‌ای انجام می‌داد، آن حضرت مردم را به پیوستن به اجتماع مسلمانان دعوت می‌نمود و بهره‌وری از انواع نعمت‌ها را در پرتو جماعت می‌دانست و تک‌روی، فاصله گرفتن از اجتماع مسلمانان و آهنگ تفرقه را محکوم می‌کرد و آن را موجب خروج از اسلام و غوطه‌ور شدن در سختی می‌دانست. ایشان با برگزاری نماز جمعه و جماعت عنایت بی‌اندازه به مسائل اجتماعی داشت، زیرا نماز جماعت ریشه همدلی‌ها و اتحاد مردم در نیکی‌ها و سبب دوری گناهان شمرده شده است. به همین دلیل پیامبر (ص) در اولین گام در مدینه مسجدی بنا نهاد و برای پیراسته بودن مسجد از فخرفروشی‌های قبیله‌ای از قبیل زمین مسجد به صورت هدیه امتناع کرد و آن را از قبیله بنی‌نجار خرید (بیهقی، 1405: ج 2، 538). مسجد جامع در مدینه رمز اجتماع و وحدت کلمه مسلمانان بود، مشارکت صحابه در ساختن آن دلیل عملی همکاری میان آنان است که این همکاری در میان مسلمانان به نام برادری شناخته شد (ابن‌ادریس، 1386: 140).

رسول خدا (ص) در سایه حمایت سیاسی دولت اسلامی خود، وحدت جمعی و همبستگی را در عربستان پدید آورد و امت واحده را تشکیل داد. نظام شیخوخیت عربی و عصبیت قبیله‌ای تحت تعالیم اسلام کنترل شد و جنگ‌های قبیله‌ای و کشت و کشتارهای ایام‌العرب خاتمه یافته و به قالب غزوات و سرایا برای تقویت بنیان حکومت اسلامی تبدیل

شد، قبیله‌مداری جای خود را به دین‌مداری و پرهیزگاری داد. قبائل پراکنده و متشتت تحت فرمان شیوخ گوناگون حول محور رهبری واحدی درآمدند. بر اثر تعالیم رسول خدا (ص) ارزش‌ها و پیوندهای خانوادگی و احترام به پدر و مادر و همسر شکل گرفت و پیوندهای اجتماعی، اتحاد، برادری و وحدت اجتماعی و عبادات دسته‌جمعی تقویت شد. بر اثر کوشش و مساعی شبانه‌روزی رسول خدا (ص) آداب خرافی و سنن جاهلی و عقاید شرک‌آمیز زوده شده. آتش شعله‌ور کینه‌ها و خونخواهی‌ها و تعصبات و افتخارات جاهلی مهار شد. برای ایجاد فضای همدلی و کنار گذاشتن تفاخرات فرمود: هیچ عربی را بر عجمی و هیچ عجمی را بر عربی جز پرهیزگاری برتری نیست. بدین‌سان رسول خدا (ص) نژادگرایی را طرد کرد و آزادی اجتماعی را یک حق مسلم برای همه انسان‌ها به ارمغان آورد بردگان را آزاد کرد و به بردگی گرفتن انسان‌ها را گناه نابخشودنی دانست (ترمذی، 1389: 270). رسول خدا (ص) همچنین با ارائه دین و فرهنگ الهی عرب را از تفرقه به وحدت و از ذلت به عزت رساند و شعار برادری و برابری را در جامعه اسلامی سر داد، درواقع مرزبندی جدیدی بر اساس دین و فرهنگ الهی جایگزین مرزهای جاهلی شد، در این مرزبندی نقش قبائل، موقعیت جغرافیایی و منزلت‌های اجتماعی جاهلی نادیده گرفته شد معیار منزلت، ایمان، عملکرد و کارآمد بودن افراد بود، این معیارها سبب حضور فعال همه نیروها اعم از عرب و عجم عدنانی و قحطانی و غیره شد، عصبیت بی‌جای مبتنی بر نظام قبیله‌مردود اعلام شد.

علاوه بر این، التزام و پایبندی به اصول اخلاقی در هر جامعه‌ای نقش محوری در پیشرفت آن جامعه خواهد داشت، به‌طوری‌که قرآن هم به ویژگی‌های اخلاقی رسول خدا و نقش محوری اخلاق در پیشرفت اسلام اشاره کرده است. خداوند خطاب به آن حضرت فرمود: «تو دارای اخلاق برجسته‌ای هستی» (سوره قلم/ آیه 4). «به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی حتماً از پیامون تو پراکنده می‌شدند» (سوره آل عمران/ آیه 15). این آیات نشان می‌دهد که پیامبر چگونه توانست با تکیه بر اصول اخلاقی دل‌ها را در اطراف خود جمع کند و از بروز کشمکش و درگیری میان آنان بکاهد (زیدان، 1389: 150). اقدام امنیتی اجتماعی پیامبر (ص)، پیمان عمومی بود که بعد از ورود به مدینه با همه گروه‌های مردم مدینه بستند. مدینه، بافتی ناهمگون داشت و از گروه‌های مختلف تشکیل شده بود. دو قبیله اوس و خزرج از قبایل

بزرگ یثرب بودند، یهودیان که در داخل شهر و حومه آن قلعه داشتند و عموماً ثروتمند و رباخوار بودند و نبض اقتصادی شهر در دست آنان بود. پیامبر (ص) از اینکه آثار فرهنگ و تفکر غلط برتری نژادی در بعضی از مسلمانان (مهاجر و انصار) هنوز وجود داشت نگران بود، از این رو با امضای این پیمان، هماهنگی و همبستگی‌ای در میان گروه‌های مختلف جامعه مدینه به وجود آورد که به وسیله آن نخستین قانون اساسی یا بزرگ‌ترین قرار و سند تاریخی در اسلام شکل گرفت (پیشوایی، 1382: 25).

تدوین منشور قانون اساسی، برای جامعه مسلمان مدینه و دیگر گروه‌ها بر اساس مکتب اسلام بود، حقوق و حدود اجتماعی افراد و طبقات جامعه، اقلیت‌های دینی و سیاسی شهر و سیاست داخلی و خارجی حکومت، در آن مشخص شده بود و زندگی مسالمت‌آمیز و نظم و عدالت را در سایه حکومت دین‌مدار پیامبر (ص) تضمین می‌کرد و از بروز هرگونه تشنج و اختلاف فرقه‌ای جلوگیری می‌نمود و همه ساکنان شهر را امتی واحد و شهر مدینه را شهر امن و حرم قرار داد. بررسی سیر حوادث تاریخی نشان می‌دهد که بستن این پیمان در حفظ آرامش و برقراری امنیت شهر به قدری مؤثر بود که تا بعد از جنگ بدر و فتنه‌انگیزی یکی از سه گروه یهودی مدینه، در سال دوم، هیچ تشنجی در میان مردم به وجود نیامد. پیامبر اسلام (ص)، علاوه بر پیمان عمومی که با همه گروه‌های مدینه امضا کرد، پیمان جداگانه‌ای نیز با سه گروه یهودی امضا کرد (واقعی، 1409، ج 2: 70). در این قرارداد، سه گروه یهودی بنی‌قینقاع، بنی‌النضیر و بنی‌قریظه متعهد شدند که با دشمنان اسلام همکاری نکنند و مرکب، اسلحه و ابزار جنگی در اختیار آنان قرار ندهند، هیچ گامی بر ضد پیامبر (ص) و مسلمانان بر ندارند و پنهان و آشکار با زبان و دست ضرری به آنان نرسانند، اگر برخلاف این قرارداد عمل کنند، پیامبر (ص) حق هرگونه مجازات آنان را خواهد داشت. در واقع با بستن این پیمان‌ها، محیط داخل مدینه و اطراف آن از امنیت خاصی برخوردار شدند و پیامبر (ص) از امنیت داخل شهر آسوده‌خاطر گردید. اینک وقت آن رسیده بود که پیامبر (ص) تدابیر امنیتی خارج از شهر و امنیت حکومت دینی خود را شروع کند و برای رویارویی با دشمنان خارجی آماده شود و مقدمات یک جامعه نوین اسلامی و حکومت دین‌مدار الهی را فراهم سازد.

4. اقدامات انتظامی خارج از مدینه

1-4. صلح حدیبیه: در سال ششم هجرت، پیامبر (ص) به اتفاق تعدادی از مسلمانان به قصد حج از مدینه خارج شدند و به طرف مکه حرکت کردند. این سفر علاوه بر جنبه‌های معنوی، نوعی نمایش مذهبی بود که آثار تبلیغی زیادی در برداشت. از طرفی توجه زائران و حاضران مکه را به دنبال داشت و از طرف دیگر فزونی یاران پیامبر (ص) را به رخ مشرکان می‌کشید. همچنین به آن‌ها می‌فهماند که این آیین مقدس و بزرگ و یک عبادت به شمار می‌آید که در صورت منع ورود آنان به مکه، موجب نفرت مردم از مشرکان می‌شد. وقتی قریش از حرکت پیامبر (ص) آگاه شدند تصمیم گرفتند به هر نحو ممکن از ورود مسلمانان جلوگیری کنند. نیروی نظامی قریش، آنان را در سرزمین حدیبیه متوقف کرد. پیامبر (ص) به آنان فرمود که ما قصد عمره داریم و به هیچ وجه قصد درگیری و جنگ با شما را نداریم، اما مشرکان همچنان بر ممانعت از ورود پیامبر (ص) و یارانش اصرار ورزیدند. بعد از آمدن سه نماینده از طرف قریش و بی‌نتیجه بودن این دیدارها و شایعه کشته شدن عثمان نماینده فرستاده شده پیامبر (ص) به سوی قریش، پیامبر (ص) را بر آن داشت تا برای تقویت روحیه یاران خود دست به یک تاکتیک درون‌گروهی زده و با مسلمانان پیمان پایداری بست که این پیمان بیعت رضوان و نیز بیعت شجره نام گرفت (بخاری، 1401، ج 3: 330) و خداوند از شرکت‌کنندگان آن اعلام رضایت کرد.

سرانجام با آمدن سهیل بن عمرو نماینده قریش و مذاکره با پیامبر (ص)، پیمانی با آنان بسته شد که صلح حدیبیه، نام گرفت. هر یک از مفاد این صلح، پیروزی بزرگی برای پیامبر (ص) و مسلمانان به شمار می‌رفت و امنیت مالی، اعتقادی و جانی آنان را تا چندین سال آینده تأمین می‌کرد. در واقع از نتایج مهم این پیمان به رسمیت شناخته شدن مسلمانان از طرف قریش، فروریختن دیوار آهنین بین آنان و مشرکان، رفت‌وآمد و ارتباط مردم مدینه و مکه، به وجود آمدن فرصت طلایی تبلیغ برای پیامبر (ص) و دعوت سران دیگر کشورها بود (ابن سعد، 1410: ج 2: 104). این فرصت مهم پیامدهای بسیاری برای جامعه نوپای اسلامی داشت. تمرکز نیرو، تحلیل بردن تبلیغاتی جبهه‌ی شرک، گروه‌های گروهی به اسلام یا حداقل تمایل به اسلام و نمایش جلوه‌هایی از حکومت متمرکز به نظام قبایلی، از مهم‌ترین نتایج امنیتی این پیمان بود.

4. نگهبانی

اوضاع مدینه در ابتدا دگرگون و بسیار آشفته بود، مردان هم برای شرکت در غزوات به جنگ و جهاد می‌پرداختند و از شهر خارج می‌شدند، نیروی امنیتی هم در شهر وجود نداشت، به همین دلیل پیامبر (ص) ضرورت وجود گروهی ویژه برای حفاظت از شهر احساس می‌کرد. این گروه حرس‌المدینه یا نگهبانان مدینه خوانده می‌شدند و اغلب آنان از جوانان بودند. علاوه بر این مردانی هم بودند که در جنگ‌ها برای ایجاد امنیت از شتران نگهبانی و محافظت می‌نمودند. همچنین چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ چند نفر مقابل در خانه پیامبر (ص) نگهبانی می‌دادند که به حرسی یا حارس‌النبی ملقب بودند. در مواردی هم که پیامبر (ص) جهت انجام غزوه‌ای از شهر خارج می‌شد، فردی را به همراه عده‌ای نیرو جهت حراست از شهر در مقابل خطرات احتمالی دشمن به کار می‌گمارد. به‌عنوان نمونه در غزوه غابه پیامبر (ص) سعدبن‌عباده را به همراه سیصد نفر از خزرج مأمور نگه‌داری مدینه نمود. در مواردی آن حضرت بدیل بن ورقاء، اوس بن ثابت، اوس بن غرابه و رافع بن خدیج را جهت نگهبانی و حراست از مدینه به کار گمارد (ابن‌ادریس، 1386: 228).

قریشیان هم رفتار شرارت‌آمیزی نسبت به پیامبر (ص) و عزمی راسخ در شر به پا کردن داشتند و در این اندیشه بودند که به مسلمانان و به‌ویژه پیامبر (ص) ضربه زنند. آن حضرت تا آنجا نسبت به عزم قریش برای ضربه زدن به مسلمانان اطمینان حاصل کرده بود که شب‌ها خواب به چشمانش نمی‌آمد و نمی‌خوابید. در بعضی مواقع و حتی در غزوات برخی از یاران آن حضرت از وی محافظت می‌کردند. عایشه می‌گوید: پیامبر (ص) در ورود به مدینه به شب‌نشینی نشسته بود، فرمود: کاش مردی ما را حراست می‌نمود. در این موقع صدای خش‌خش سلاح را شنیدیم، پیامبر (ص) پرسید: آن کیست؟ سعد گفت: منم سعدبن‌ابی‌وقاص در دل خوف و هراسی نسبت به جان شما احساس کردم ترسیدم و آمده‌ام از شما حراست کنم. سپس پیامبر (ص) او را دعا فرمود. البته این خطر به رسول خدا (ص) هم منحصر نبود، بلکه تمامی مسلمانان را تهدید می‌کرد، زمانی که رسول خدا (ص) و یارانش وارد مدینه شدند و انصار آنان را جا و مکان دادند قوم عرب علیه آنان مصمم شدند، چنان‌که مسلمانان شب بدون اسلحه نمی‌خوابیدند و با اسلحه از خواب برمی‌خاستند (مبارک‌فوری، 1385: 383).

علاوه بر سعد، جابر بن عبدالله انصاری هم از نگهبانان پیامبر (ص) بود، زمانی که رسول الله (ص) در حجره خود در حال نماز خواندن بود و سعد از او نگهبانی می‌کرد، بلال هم درحالی‌که پیامبر (ص) بر منبر نشسته بود شمشیر در دست داشت و از او حمایت می‌کرد. در جنگ‌هایی هم که پیامبر (ص) حضور داشت، عده‌ای از اصحاب موظف به حفاظت از آن حضرت بودند؛ مانند سعد بن معاذ و ذکوان بن عبدالله که در جنگ بدر و هنگامی‌که رسول خدا (ص) زیر سایه‌بان نشسته بود از وی محافظت می‌کردند، محمد بن مسلمه در غزوه احد، زبیر در غزوه خندق، سعد بن ابی وقاص در خیبر، ابو ایوب انصاری و بلال در وادی القری و زیاد بن اسد در شب فتح مکه از آن حضرت محافظت می‌کردند (آشوب، 1386: 247). در غزوه ذات‌الرقاع عمار بن یاسر و عباد بن بشر نگهبان پیامبر (ص) بودند، عباد بن بشر نگهبان لشکر پیامبر (ص) در غزوه تبوک و انس بن ابی مرثد غنوی در حنین و مغیره بن شعبه نگهبان چارپایان بارکش و سفری حضرت در وفد ثقیف بود. عبدالرحمان بن عوف امین و نگهبان حرم پیامبر (ص) بود. سلیط بن سفیان اسلمی را در روز احد برای پی‌جویی مشرکان فرستاد و پیش از خروج از مدینه طلحه بن عبیدالله و سعید بن زید را برای تجسس به شام فرستاد و برای این کار به آنان از غنیمت‌های غزوه بدر سهم معین کرد. ابو حذیفه را در خندق، عبدالله بن حدرد را به سوی هوازن، بشر بن سفیان عتکی را به مکه، جبلة بن عامر بلدی را در نبرد احزاب و انس بن ابی مرثد را هم به‌عنوان عسس و شبگرد می‌فرستاد (الکتانی، 1382: 17). نگهبانی و حراست از پیامبر (ص) و مسلمانان وجود داشت و تعداد زیادی از افراد از آنان محافظت می‌کردند تا این که آیه 67 سوره مائده نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». پس از نازل شدن این آیه رسول خدا (ص) نگهبانان خود را مرخص کرد و فرمود: ای مردم از طرف من پراکنده شوید، زیرا خداوند حفاظت مرا تضمین کرده است و او بهترین حفاظت‌کننده است.

5. اقدامات نظامی پیامبر (ص)

جامعه نو پای مدینه در ابتدا با مسائل و مشکلات متعددی روبرو بود، از یک‌طرف اختلافات و منازعات قبیله‌ای در جریان بود و از طرف دیگر مشرکان و قریش بارها

امنیت مسلمانان را تهدید می‌کردند به طوری که پیامبر وادار به غزوه و سریه با آن‌ها می‌شد و در زمان اوج این سختی‌ها به مسلمانان دستور هجرت به حبشه را داد. هدف پیامبر (ص) از این اقدامات تأمین امنیت مسلمانان بود. برای مثال زمانی که رسول خدا (ص) توسط جاسوسان از نقشه نظامی احزاب بر ضد اسلام اطلاع یافت جلسه شورا تشکیل داد؛ که در خارج مدینه آرایش جنگی بگیرد یا داخل شهر به دفاع بپردازد. پس از تبادل نظر، بر این شدند که کوه «سُلع» را تکیه‌گاه قرار داده و در پیشاپیش جبهه جنگ، طبق نظر سلمان فارسی خندق حفر کنند و مانع هجوم دشمن شوند. رسول خدا (ص) نیز در کندن خندق همانند دیگران کلنگ به دست گرفت (ابن سعد، 1410: 370). همچنین پیامبر (ص) در مورد فتح قلعه‌ی خیبر نیز مشورت کردند و پس از بررسی زمین‌های خیبر به نظر یکی از جنگجویان و دلاوران اسلام به نام «حباب بن منذر» اتفاق کردند و جنگ را به پشت نخل‌ها منتقل کردند و در طول گرفتن خیبر، هرروز افسران و پیامبر خدا (ص) از آنجا به سوی دژها می‌آمدند و شبانگاه به ارتش بازمی‌گشتند و با مشورت‌های سربازان اسلام قلعه‌های خیبر یکی پس از دیگری به دست آن‌ها فتح شدند. پیامبر (ص) بسیاری از غزوات را جهت دفع دشمنان انجام می‌داد، در بیشتر جنگ‌ها شرکت داشت و فرماندهی جنگ‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز مثل بدر، احد، خندق، فتح مکه، حنین و تبوک بر عهده خود آن حضرت بود. حضور پیامبر خدا (ص) در میدان جنگ مایه دلگرمی رزمندگان اسلام می‌شد، به‌ویژه آنکه حضرت همچون دیگر جنگجویان در سختی‌های جنگ سهیم بود. با این وجود، شأن و مقام فرماندهی خویش را در هر موقعیتی حفظ می‌کرد. به‌منظور فرماندهی و پیشبرد کار جنگ، مکان ویژه‌ای را اختیار می‌کرد و به هدایت رزمندگان می‌پرداخت. با آنکه رسول خدا (ص) شجاعتی بی‌مانند داشت، اما اغلب، کار از پای درآوردن دشمن را به عهده رزمندگان اسلام می‌گذاشت.

پیامبر (ص) همواره می‌کوشیدند تا اهداف روشنی برای جنگ و مدیریت خویش تعریف کنند، علل، اهداف و اصول جنگ را برای نیروهای تحت پوشش خود تشریح نمایند و پس از آن به ایجاد یک سازمان مقتدر نظامی بپردازند. این سازمان تا سال‌های آخر حیات رسول خدا (ص) توسعه و پیشرفت چشمگیری یافت؛ رسته‌های نظامی از یک رسته پیاده‌نظام به چندین رسته سواره‌نظام، تیراندازان، نیزه‌اندازان، شمشیرزنان،

مهندسان، منجنیق‌اندازان، دبابیون و غیره افزایش یافت. نیروهایی برای ساخت سلاح و تجهیز سپاه به خارج از مرزهای اسلامی اعزام شدند تا به صورت تخصصی آموزش ببینند و از تخصص آن‌ها در جنگ‌ها بهره‌برداری شود (بیهقی، 1952: 75). مسلمانانی که در استفاده از تیر و کمان و سایر سلاح‌ها و نیز اسب‌سواری تجربه چندانی نداشتند، با تمهیدات رسول خدا (ص) در این عرصه، توانستند مهارت‌های قابل توجهی کسب کنند، سفارش‌های فراوان پیامبر (ص) در استفاده از کمان، شمشیر، نیزه، اسب و برگزاری مسابقات متعدد در سوارکاری و تیراندازی و سایر آموزش‌ها، نشان‌دهنده‌ی عمق توجه آن حضرت به بحث آموزش نیروی رزم و دفاع و ایجاد امنیت در جامعه بوده است. در نخستین غزوه‌ها، مسلمانان از داشتن تجهیزات و امکانات اولیه جنگی مثل شمشیر و نیزه و کمان و اسب به تعداد نیروهای رزمنده بی‌بهره بودند؛ اما دیری نپایید که تحت رهبری رسول خدا (ص) غرق در سلاح و آهن و پولاد بودند و سواره‌نظام سپاه رسول خدا (ص) حداقل در غزوه تبوک به سه هزار نیروی نظامی می‌رسید.

از مسائل مهم امنیتی در هر جامعه، تشکیل سپاه و تربیت نیروی کارآموده رزمی و جنگی است که بتواند از مردم خود در مقابله با حملات دشمن و غارتگران و مهاجمان آن مرزوبوم دفاع کنند. پیامبر (ص) نیز به‌عنوان یک حاکم سیاسی و با قدرت، این نیاز جامعه نوپای مسلمان را احساس کرد و از این اصل دفاعی به‌خوبی استفاده نمود و نیروی مسلح و کارآموده‌ای تشکیل داد و توانست به‌وسیله آنان، امنیت لازم را برای جامعه دینی خود فراهم کند (فائدان، 1382: 250). تصمیم پیشگیرانه پیامبر (ص) از آن جهت حائز اهمیت بود که مشرکان مکه، وقتی دستشان از مسلمانان کوتاه شد و دیگر نمی‌توانستند آنان را به خاطر اعتقاد اسلامی‌شان تحت آزار و شکنجه قرار دهند، تصمیم گرفتند به مرکز اسلام هجوم ببرند. پیامبر (ص) برای مقابله با چنین حملاتی و در پی نزول آیه جهاد و اجازه دفاع در اواخر سال اول هجرت، با نیروی کم و ادوات محدود جنگی هسته اولیه ارتش اسلام را پی‌ریزی کرد.

در روزهای اولیه، ستون‌های نظامی با نفرات اندک، برای مأموریت گشتی و نظامی فرستاده می‌شدند و هدف پیامبر (ص) از این مانورها، بالا بردن نیروی دفاعی نیروهای اسلام و نیز تهدید خطوط بازرگانی قریش بود، چراکه آسیب اقتصادی بر دشمن و ایجاد رعب و نگرانی در این حملات رزمی، به مراتب مهم‌تر از کالاهای به دست آمده، بود. از

طرفی، هم نمایش قدرت رزمی مسلمانان و هشدار به مشرکان مکه بود تا به فکر حمله نظامی به مدینه نباشند و هم هشدار به دشمنان داخلی، برای این که از توطئه و ایجاد اختلاف بین مردم بپرهیزند. در برخی از این جنگ‌وگریزها، پیامبر (ص) با بعضی از قبایل اطراف، پیمان عدم همکاری با دشمنان اسلام را امضا می‌کرد (واقعی، 1409، ج 13: 11). هنگام حرکت یا عزیمت لشکر به منطقه جنگی، قبل از هر چیز، رسول خدا (ص) به استعراض یا سان دیدن از سپاه می‌پرداختند و به شخسه امکانات مادی را اعم از سلاح و تجهیزات، وسایل حمل‌ونقل، نیروی انسانی، یگان‌های رزمی و فرماندهان آن‌ها و نیز رسته‌های پشتیبانی و خدماتی و در مجموع نحوه و نوع سازمان‌دهی لشکر به لحاظ کمی و کیفی را بررسی و سپس اجازه حرکت صادر می‌فرمودند (هرثمی، بی‌تا: 29)؛ و برای هر گروه فرمانده تعیین می‌کردند. سازمان‌دهی و نظم در حین حرکت و در مسیر، همواره مورد توجه و عنایت پیامبر (ص) بود و سپاه او جز با آرایش و سازمان‌دهی حرکت نمی‌کرد. این کار به چند دلیل صورت می‌گرفت: ضرورت وجود نظارت و سیطره بر جنگجویان، ضرورت رویارویی با سازمان‌دهی نظامی دشمن با یک سازمان‌دهی مشابه هنگام تهاجم ناگهانی او، حفظ انضباط و نظم به هنگام حرکت، حفظ امنیت هر یک از اجزای پنج‌گانه لشکر به وسیله یکدیگر به هنگام حرکت سازمان‌دهی در حین حرکت و در مسیر تقریباً مشابه همان سازمان‌دهی در حین جنگ بود. در مجموع سازمان‌دهی در حین حرکت بر اساس نظام صورت می‌گرفت. طلایه یا مقدمه جلوتر از سپاه حرکت می‌کرد و مأموریتی خاص از جمله شناسایی دشمن، شناسایی مسیر، شبیخون زدن به دشمن و تأمین امنیت سپاه را بر عهده داشت، سپس قلب در احاطه جناحین میسر و میمنه و آنگاه عقبه یا ساقه در پایان سپاه به حرکت درمی‌آمد. هنگام رسیدن به منطقه جنگی، سازمان‌دهی تکمیل و صفوف منظم می‌شد. هدف از انجام سازمان‌دهی در حین جنگ، تقسیم وظایف و مأموریت‌های یگان‌ها در منطقه جنگی است که آن را می‌توان هنر توزیع یگان‌ها و امکانات نظامی توصیف کرد. رسول خدا (ص) همواره در میدان جنگ بر اساس سازمان‌دهی می‌جنگید و آن را حتی در صورت کم تعداد بودن نیز اجرا می‌کرد (قائدان، 1382: 150).

بررسی پیرامون سرایا و غزواتی که در زمان رسول خدا انجام شده است به قسمتی از مأموریت‌های انتظامی و تأمین امنیت توسط مسلمین قابل توجه است. سربه حمزه

سیدالشهدا در رمضان سال اول برای تعرض به کاروانی از قریش در مسیر شام و برای ناامن کردن راه تجاری مشرکین بود. سریه عبیده بن حارث در شوال سال اول برای مقابله با دسته‌ای از قریش که ممکن بود به اطراف مدینه تجاوز کنند. سریه عبدالله بن جحش در رجب سال دوم برای گرفتن خبر از قریش پس از اولین برخورد که بین آن‌ها و یک کاروان از قریش در گرفت. سریه سالم بن عمیر در شوال سال دوم برای کشتن ابوعفک که با اشعار خود شیوه ناسزاگوئی به اسلام و مسلمانان و دشنام دادن به رسول خدا و تحریک دشمنان اسلام را پیش گرفته بود. سریه محمد بن مسلمه در ربیع‌الاول سال سوم برای کشتن کعب بن اشرف شاعر هزل‌گوی عرب که در اشعارش به رسول خدا و مسلمانان و زنان ایشان توهین بسیار می‌نمود. غزوه ودان در صفر سال دوم هجری برای اطلاع از وضعیت کاروان قریش که با نتیجه‌ی بستن پیمان دوستی با قبیله بنی ضمیره به اتمام رسید. غزوه بواط در ربیع‌الاول سال دوم هجرت در تعقیب کاروانی از قریش و تهدید مشرکین بود. غزوه عشیره در جمادی‌الاولی سال دوم هجرت برای تعقیب مجدد کاروان قریش در راه شام بود که با صلح با قبیله بنی مدلج به پایان رسید. غزوه غطفان یا غزوه ذی‌أمر در مقابله با جمعی از بنی‌ثعلبه و محارب که در ذی‌أمر تجمع کرده بودند تا در پیرامون مدینه دست به غارت بزنند. غزوه بنی‌لحیان به خونخواهی شهدای رجیع و غزوه بحران در ربیع‌الآخر سال سوم هجری برای مقابله با گروه بسیاری از بنی‌سلیم که در ناحیه بحران برای حمله به مدینه جمع شده بودند. این مانورها و برخوردهای مختلف از جهت ایجاد شرایط جدید در معادلات امنیتی در شبه‌جزیره عربستان قابل توجه بود. اهداف اصلی این تحرکات، تأمین امنیت، مدینه، مسلمانان، تهدید و مقابله‌به‌مثل با مشرکین و پاسخ درخور به هتاکان و بدعهدان بوده است.

نتیجه‌گیری

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) هنگامی که به پیامبری مبعوث شدند با جامعه‌ای که گرفتار خرافات و بت‌پرستی مواجه گشت، فقر و فاصله طبقاتی شدید، اختلافات قبیله‌ای، جنگ و خونریزی به‌شدت در آن موج می‌زد. این عوامل به‌صورت بلندمدت باعث ناامنی در آن جامعه شده بود، به همین دلیل پیامبر (ص) در ابتدا، درصدد بودند اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به ظلمات توحش افتاده بود را تغییر دهند.

امنیت برای کسانی که در عربستان جاهلی زندگی می‌کردند عبارت بود از تعلق به قبیله، نسب و تعصبات نژادی، شمشیر بران و رسم امان خواستن از شیوخ قبایل، جوار و موالات. نظایر آن که در نظام قبیله‌ای تعریف می‌شد. وقتی ایشان دعوت خویش را آغاز کردند، اعراب قبائلی بت‌پرست بودند که به‌طور متفرق در صحرای خشک عربستان سکونت داشتند، اسلام توانست، خرافات و تعصبات را محدود و به‌جای خرافات، عقاید دینی نو را پدید آورد. پیامبر (ص) اساس کار خود را مبارزه با نادانی و تأمین رفاه و آسایش قرار داده بود، آن حضرت برای جلوگیری از اختلاف و جنگ‌های قبیله‌ای و ایجاد امنیت در جامعه پیمان اخوت بین مسلمانان (انصار و مهاجران) و پیمان با همسایگان را ایجاد کردند و بر اجرای قانون الهی که مرجعی مهم برای جلوگیری از بروز اختلاف بود تأکید داشتند، علاوه بر این پیمان‌نامه‌های عمومی، برای تأمین امنیت و نابود کردن موانع نیز به اقدامات نظامی دست زدند و دسته‌هایی از سپاه را ساماندهی کردند تا هرگونه منبع ناامنی را مهار و نابود سازند. غزوات و سرایای متعددی در این خصوص در زمان رسول خدا انجام شد. این مأموریت‌ها که باهدف تأمین امنیت توسط مسلمین انجام می‌شد در حکم نمایش قدرت و برخورد‌های مختلف در معادلات امنیتی شبه‌جزیره عربستان به‌حساب می‌آمد. اهداف اصلی این تحرکات، تأمین امنیت شهر مدینه، مسلمانان و تهدید منافقان و دشمنان حکومت جدید اسلامی و مقابله‌به‌مثل با مشرکین و هم‌پیمانان ایشان بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، (1371)، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی
- ابن هشام، عبدالملک، (1375)، السیره النبویه (زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام)، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، چ 5.
- ابن سعد، محمد، (1410)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- الکتانی، عبدالحی، (1382)، التراتیب الاداریه، تهران، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن عبدالله، (1386)، جامعه مدینه در عصر نبوی، ترجمه شهلا بختیاری، تهران، قم، سمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن شهر آشوب، (1386)، پیامبر اعظم (ص)، ترجمه محمد حسینی بهارانچی، قم، انتشارات عطر عترت، چ 1
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (1401)، صحیح بخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (1398)، فتوح البلدان، تحقیق صلاح الدین المنجد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بیهقی، احمد بن الحسین، (1952)، السنن الکبری، هند، دکن، دائرة المعارف العثمانیه.
- پیشوایی، مهدی، (1382)، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر)، قم، نشر معارف، چ 1
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، (1389)، الشمائل المحمدیه (شمائل)، ترجمه فیض محمد بلوچ، تربت جام، نشر خواجه عبدالله.
- زیدان، جرجی، (1389)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چ 13
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (1967) تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چ 2
- قانطان، اصغر، (1382)، سازمان دهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام (از آغاز تا پایان عصر عباسی)، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین.
- مبارکفوری، صفی الرحمان، (1385)، خورشید نبوت، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، احسان.
- آوردی، (1409 ق)، اعلام، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

- واقدی، محمدبن عمر، (1409)، المغازی، تحقیق مارسن جونس، بیروت، موسسه‌ الاعمی، ج 2
- هرثمی، ابوسعید شعرانی، (بی‌تا)، مختصر السیاسه الحروب، تحقیق عبدالروف عون، الموسسه العامه للتالیف و الترجمه و الطباعه و النشر.

